

میراث مکتوب علوی

محمد علی مهدوی راد

چکیده:

چگونگی تدوین و نقل و انتقال سنت نبوی به نسل‌ها و عصرها پس از رسول خدا ﷺ با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو شد. علی رضی الله عنه بر کتابت و نقل و گزارش سنت نبوی تأکید می‌ورزید، اما پس از رسول خدا وضع دگرگون شد. نویسندگان در این مقاله بر آن است تا میراث مکتوب علوی را - که در جهت ضبط و ثبت سنت نبوی و نگهداری از میراث رسول خدا ﷺ به نگارش در آمده است - گزارش کند. وی در ابتدا سخنانی در باره تدوین حدیث و لزوم ثبت، ضبط و نشر آن، از علی رضی الله عنه نقل کرده است.

کلید واژه‌ها: حدیث، نقل حدیث، نگارش حدیث، نشر حدیث، منع تدوین حدیث.

سنت، دومین مستند شناخت دین و احکام آئین مبین و نیز منبع مهم تفسیر کتاب الهی است. رسول الله ﷺ فرمود:

الا وانی اوتیت الكتاب و مثله معه...^۱

و فرمود:

فاستنطقوا القرآن بسنتی.^۲

قرآن را با سنت من و با راهنمایی سنت من به سخن آورید و تفسیر کنید.

چگونگی تدوین و نقل و انتقال سنت نبوی به نسل‌ها و عصرها پس از رسول الله ﷺ با چالش‌های گونه‌گونی رویاروی شد.^۳ علی رضی الله عنه بر کتابت و نقل و گزارش سنت نبوی تأکید می‌ورزید، اما

۱. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۳۷. روایت ادامه دارد و در تاریخ و تدوین حدیث گویای نکته‌ای است بس مهم که بدان در مورد دیگری پرداخته‌ام؛ تدوین الحدیث عند الشيعة الإمامية، ص ۱۳.

۲. الإحفاق، ج ۹، ص ۳۱۷.

۳. در مقامی دیگر از این موضوع به تفصیل سخن گفته‌ام. ر. ک: سلسله مقالات «تدوین حدیث» در همین مجله از شماره ۱ - ۹ و نیز تدوین الحدیث عند الشيعة الإمامية، ص ۱ - ۱۳۵.

به روزگاران پس از رسول الله ﷺ وضع دگر شد و سیاست و به دنبال آن، چگونگی ثقافت دگر. در این مقاله برآنیم تا میراث مکتوب علوی - که در جهت ضبط و ثبت سنت نبوی و حراست از میراث رسول الله ﷺ به خامه آمده است - گزارش کنیم؛ اما پیش تر از آن که میراث مکتوب علوی را در این زمینه گزارش کنیم، سزایماند چنان است که گفتار مولا را درباره تدوین حدیث و لزوم ثبت، ضبط و نشر آن بیاوریم.

گفتار علی ﷺ در تدوین حدیث

از امیرالمؤمنین علی ﷺ درباره لزوم کتابت، و نشر آن سخنان ارجمند و تنبیه آفرین فراوانی آورده اند که اندکی از بسیار را در این مجال می آوریم. خطیب بغدادی در اثر ارجمندش *تقید العلم* فصلی گشوده است برای یادکرد صحابیانی که حدیث را می نگاشته اند و یا بدان تشویق می کرده و یا دستور می داده اند؛ در این فصل، به اسانید مختلف، از جمله آورده است که علی ﷺ فرموده اند:

قیدوا العلم، قیدوا العلم؛

دانش را با (نگاشتن) به بند کشید، دانش را به بند کشید.^۴

ابوظفیل می گوید:

از علی ﷺ شنیدم که می فرمود:

هان! مردم دوست می دارید که خدا و رسولش تکذیب شوند؟! [اگر نه چنین است پس] آنچه را شناخته شده است برای مردمان روایت کنید و آنچه را انکار می کنند رها کنید.^۵
در مقامی دیگر چونان رهنمودی برای خراسان از میراث حدیثی فرمود:

تزاو رو و تدارسو الحدیث و لا تتركوه یدرس؛

به دیدار هم بروید و حدیث را بحث کنید، از [گفتگو و بحث از حدیث] تن نزنید تا از دست برود.^۶
و از رسول الله ﷺ نقل می کند که فرموده است:

این دانش [حدیث] را بنویسید، زیرا از آن در دنیا و یا آخرت سود خواهید برد. دانش هرگز صاحبش را تباه نمی کند.^۷

طرفه این که امام ﷺ حدیث را می نگاشت و آن را به مردمان عرضه می کرد و گاه برای نشان دادن اوج و عظمت آن ندا درمی داد که:

۴. *تقید العلم*، ص ۸۹.

۵. *کنز العمال*، ج ۱۰، ص ۳۰۴، ح ۲۹۵۲۳.

۶. همان، ج ۱۰، ص ۳۰۴؛ *بحار الانوار*، ج ۳، ص ۱۵۱؛ *مستدرک الوسائل*، ج ۱۷، ص ۲۸۸؛

۷. *کنز العمال*، ج ۱۰، ص ۲۶۲، ح ۲۹۳۸۹.

چه کسی دانش را از من به یک درهم می‌خرد؟^۸

از حارث بن اعور آورده‌اند که می‌گفت علی علیه السلام فرمود:

من بیشتری منی علماً بدرهم؟ قال: فذهب فاشتریت صحفاً بدرهم ثم جنت بها؛

چه کسی دانش را از من به یک درهم می‌خرد؟ او می‌گوید: رفتم و «صحیفه‌هایی» را به یک درهم خریدم.^۹

گزارش زمخشری^{۱۰} از این حادثه نشانگر آن است که حضرت در روزگار خلافت و در کوفه چنین می‌کرده است و این خود گواهی است بر این که مولا بدین‌سان در پی نشان دادن ارج و عظمت حدیث بوده است. و در پی ایجاد جریان برای نشر و گسترش حدیث، پس از آن که بیش از ربع قرن حدیث دچار دگرگونی‌ها، دگرسانی‌ها، تحریف‌ها و... شده بود. و بالاخره از گزارش ارجمند و تنبه‌آفرین مولا یاد کنیم از رسول‌الله صلی الله علیه و آله که فرمود:

خدایا، جانشینان مرا غریق رحمت کن! گفته شد: جانشینان شما کیان‌اند؟ فرمود: آنان که پس از من خواهند آمد و سخن و سنت مرا گزارش خواهند کرد.^{۱۱}

و بدین‌سان جایگاه محدثان و حدیث‌نگاران و گسترش دهندگان فرهنگ و ثقافت در کلام نبوی و به گزارش مولا «جایگاه خلافت نبوی» است و این همه نشانگر تأکید و ترغیبی عظیم در برابر آنچه در تاریخ اسلام نقش بست. باری در فرجام این بحث از ماندسازای زیبا مولا یاد کنیم که «کتاب» را به «بوستان» مانند ساخته است:

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

الکتب بساتین العلماء.

که یعنی آموزه‌های نهفته در میان دو «لِت» کتاب، باغی است با دسته گل‌هایی دماغ‌پرور و فضایی است دلپذیر برای تفریح، اندیشوری و دانش‌گستری. و بیفزاییم این کلام فاخر را که فرمود:

عقل الکاتب قلمه؛

خرد نویسنده قلم و خامه اوست.^{۱۲}

و نیز این که سخنان مولا درباره دانش، دانشوری، دانش‌اندوزی، ثبت و ضبط حدیث، لزوم کتابت، آداب نگاشتن و چرایی و چگونگی نوشتن، و حراست کردن از میراث مکتوب و... فراوان‌تر از آن است که در این مجال بگنجد. از این روی، کلامی دیگر را در شیوه نگاشتن - که نشانگر دقت، تأمل و توجه به نکات بسیار ریز در این باب است - بیاوریم و بگذریم؛ به کاتبش عبیدالله بن ابی‌رافع

۸. تنقید العلم، ص ۹۱.

۹. همان، ص ۹۰.

۱۰. ربیع‌الانوار، ج ۳، ص ۲۹۴؛ مسند‌الانام علی علیه السلام، ج ۱، ص ۸۵، ج ۲، ص ۱۴۲.

۱۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۰۲؛ وسائل‌الشیعة، ج ۲۷، ص ۹۱.

۱۲. نور الحقیقة، ص ۱۰۸.

فرمود:

القی دواتک واطیل جلیفة قلمک و فرج بین السطور و قرشط بین الحروف، فان ذلک أجدز بصباحة الخط؛

دوات را لایقه بینداز و از جای تراش تا نوک خامهات را دراز ساز و میان سطرها را گشاده دار و حرفها را نزدیک هم آر که چنین کار زیبایی خط را سزاوار است.^{۱۳}

اکنون و پس از گزارش اندکی از بسیار از آنچه را مولا درباره کتابت حدیث و ضرورت نشر و گسترش آن و تأکید و ترغیب به نگارش و نشر آن آوردیم، بپردازیم به گزارش میراث ارجمند و والای مکتوب امیرمؤمنان علی علیه السلام:

میراث مکتوب علوی

بی‌گمان، امام علی علیه السلام از کاتبان وحی، بل سرآمد کاتبان وحی است، و نیز نگارنده نامه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله. نامه‌هایی بر جای مانده از پیامبر صلی الله علیه و آله نشانگر آن است که بخش عظیمی از آنها به خامه مولا است.^{۱۴} نصوص فراوان حدیثی و تاریخی نشانگر آن است که رسول الله صلی الله علیه و آله در شبانه‌روز «وقت» ویژه‌ای برای برای علی علیه السلام مقرر فرموده بودند که مولا به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله می‌شتافتند، پیامبر می‌فرمودند و مولا می‌نگاشتند، تفسیر، معارف، احکام و.... علامه عالیقدر، و پژوهشگر سختکوش روانشاد آیت‌الله علی احمدی میانجی رحمته الله علیه - که در تتبع و جستجوگری حقا کم‌نظیر بودند - نوشته‌اند:

از مصادر حدیثی و وثایق تاریخی چنین برمی‌آید که پیامبر صلی الله علیه و آله برای امیرمؤمنان زمان را در شب و روز ویژه ساخته بود که در آن زمان خاص به املائی قرآن، تفسیر، تأویل و ناسخ و منسوخش می‌پرداخت و نیز احکام و معارف را املا می‌کرد و علی علیه السلام می‌نوشت.^{۱۵}

محدث جلیل‌القدر، شیخ حر عاملی نوشته‌اند:

نصوص متواتر گزارش شده از رسول الله صلی الله علیه و آله نشانگر آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به نگارش تنزیل و تأویل کتاب‌الله و نیز کتابت سنت امر می‌کرده است. رسول الله صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام می‌خواست تا آنچه را از احادیث و احکام شرعی و... به او القا می‌کند، برای انبازهایش در امامت و ولایت بنگارد، علی علیه السلام گفت: انبازهای من کیان‌اند؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: الائمة من ولدک.^{۱۶} علی علیه السلام

۱۳. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، ص ۵۳۰ (شماره ۳۱۵).

۱۴. در ذیل برخی نامه‌ها نام کاتب آمده است. نامه‌هایی که مولا می‌نگاشته‌اند، در فرجام آن آمده است: «و کتب علی بن ابی طالب علیه السلام؛ (مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۴۶۴)، یا «و کتب علی علیه السلام؛ (همان، ص ۷۰ و ۴۵۸).

۱۵. همان، ج ۱، ص ۴۰۳.

۱۶. الفوائد الطوسیة، ص ۲۴۳ و نیز ر.ک: الامالی للطوسی، ج ۲، ص ۵۶ (چاپ نجف)؛ علل الشرائع، ص ۲۰۸؛ الامامة والبصرة، ص ۱۸۳؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۳ از منابع بسیار.

فرمود: من دو بار به محضر رسول الله ﷺ بار می‌یافتم، شب و روز، و چون آهنگ پیامبر ﷺ می‌کردم و در حال نماز بود، با «تنحنح» به من رخصت ورود می‌داد.^{۱۷}

در گزارش دیگری آمده است که مولا فرمود:

مرا در نگاه رسول الله ﷺ جایگاهی بود که هیچ‌کس از مردمان آن جایگاه را نداشتند. همراه سحرگاهان آهنگ آن حضرت می‌کردم و می‌گفتم: السلام علیک یا نبی الله! اگر رخصت می‌دادند، وارد می‌شدم و گرنه برمی‌گشتم.^{۱۸}

عایشه می‌گوید:

رسول الله ﷺ پوست پیراسته و دباغی‌شده و دواتی را خواست [در حالی که علی ﷺ در محضرش بود] و آن‌گاه املا کرد و علی نوشت تا پوست یکسر آکنده از سطور نگاشته شد.^{۱۹}

ام سلمه می‌گوید:

رسول الله ﷺ در خانه من علی را نشانید و آن‌گاه پوست گوسفندی را خواست، علی ﷺ [از املا] رسول الله ﷺ آنقدر نگاشت تا کرانه‌های آن پر شد.^{۲۰}

آنچه آوردیم - و بی‌گمان اندکی بود از بسیار - نشانگر آن است که علی ﷺ به امر رسول الله ﷺ از همان روزگاران نخست حدیث را می‌نوشته، و در این نگاشتن و ثبت و ضبط او جایگاهی ویژه داشته است. اکنون به یادکرد آثاری می‌پردازیم که به عنوان اثر مکتوب از امیرمؤمنان و وصی خاتم رسولان در منابع و مأخذ یاد شده است:

تفسیر قرآن

علی ﷺ بی‌گمان، سرآمد مفسران و برجسته‌ترین چهره تفسیری دوران صحابه و آشناترین به معارف و حقایق ژرف و نابیداکرانه قرآن کریم پس از رسول الله ﷺ است. علی ﷺ سیراب شده از چشمه‌سار زلال وحی است و همگام و همراه همیشگی فراگیرنده و ابلاغ‌کننده وحی. مولا با رسول الله ﷺ بوده است از کودکی، و پس از آن، سال‌های خلوت در حرا؛ و نگرستن حالات وحی و شنیدن و نیوشیدن

۱۷. سنن النسائی، ج ۳، ص ۱۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۲۰۶، ح ۳۷۰۸؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۰۵ از منابع بسیار. در منابع یاد شده الفاظ حدیث اندکی تفاوت دارند. در نقل مکاتیب الرسول کلمه «لی» از پایان حدیث افتاده است؛ کفایة الطالب، ص ۱۹۹. در نقل گنجی شافعی آمده است که: من شبان و روزان به محضر رسول الله ﷺ می‌رسیدم. چون می‌برسیدم، پاسخ می‌گفت و اگر سکوت می‌کردم، آن بزرگوار آغاز به سخن می‌کرد؛ ملحقات احقاق الحق، ج ۶، ص ۵۱۱. از منابع بسیار؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۵۱؛ در نقل بیهقی آمده است که سحرگاهان مرا زمانی مشخص بود که بر رسول الله ﷺ وارد می‌شدم؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۰۵؛ از منابع بسیار. چنان‌که اشاره کردیم، الفاظ حدیث اندکی تفاوت دارد؛ اما محتوا غالباً یکسان است و نقل‌ها بسیار زیاد.

۱۸. سنن النسائی، ج ۱۲، ص ۱۷؛ السنن الکبری، ج ۲، ص ۳۵۱؛ ملحقات احقاق الحق، ج ۶، ص ۵۱۲ از منابع بسیار؛ معالم المدرستین، ج ۲، ص ۳۰۵؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۴۰۹.

۱۹. تقیید العلم، ص ۷۱؛ المحدث الفاضل، ص ۶۰۱؛ محاسن الاصطلاح، ص ۳۶۶.

۲۰. الأمانة والبیصرة من الحیرة، ص ۱۷۴؛ بعضائر الدرجات، ص ۱۶۳.

ترنم وحی، در سفر و حضر و به تعبیر مولا چوان «شترپچه در پی مادر». بدین سان علی علیه السلام جان و دل را در آبشار وحی می‌شست و از آغازین روزگاران با جاری‌های وحی زندگی می‌کرد و با آموزه‌های آن لحظه لحظه زندگی را درمی‌آمیخت. محدثان و مورخان آورده‌اند که آن بزرگوار همواره می‌فرمود: از من، هر آنچه از آیات الهی خواهید بی‌رسید؛ چه این که تمام آیات الهی را می‌دانم که کی و کجا نازل شده است، در فرازها و یا فرودها، در روزان و یا شبان، خداوند به من قلبی فهیم و زبانی گویا عنایت کرده است.^{۲۱}

و نیز فرمود:

به خداوند سوگند! تمام آیات الهی را می‌دانم درباره چه و کجا نازل شده است. پروردگارم به من قلبی فهیم و زبانی پرسنده بخشیده است.^{۲۲}

و نیز فرمود:

تمام آیات الهی را بر رسول الله صلی الله علیه و آله خواندم و پیامبر معانی آیات را به من تعلیم داد.^{۲۳}

و نیز فرمود:

هر آیه‌ای را که خداوند به رسول الله صلی الله علیه و آله فرو فرستاد، آن را جمع کردم و تمام آیات را رسول الله صلی الله علیه و آله بر من فروخواند و تأویلش را به من آموزاند.^{۲۴}

و نیز فرمود:

خداوند از میان اصحاب محمد صلی الله علیه و آله مرا به دانش ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام ویژه ساخت و این منی بود بر من و بر رسول الله صلی الله علیه و آله.^{۲۵}

و نیز فرمود:

اگر بخواهم، هفتاد بار شتر از تفسیر فاتحه می‌آکنم.^{۲۶}

اکنون و در این مجال آهنگ آن ندارم از گستره دانش علوی از قرآن بر پایه منابع و مأخذ و نصوص قرآنی و روایی سخن بگویم؛ سخنی است درازدامن و مجالی دیگر می‌طلبد. این اندک را برای این آوردم که چگونگی «مصحف امام علی علیه السلام» را طرح کنم که این بنده بدان عنوان «تفسیر قرآن» داده‌ام؛ اما از یادکرد این نکته‌گریزی ندارم، که این حقیقت به گونه‌ای گویا، هیجانبار و شکوهمند در آیات قرآن کریم، سنت نبوی، گفتار علوی و بیان و بنان صحابیان، تابعیان عالمان،

۲۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹؛ غرر الحکم، ج ۲، ص ۵۶۳.
 ۲۲. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۹؛ حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۶۷؛ تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۵.
 ۲۳. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳.
 ۲۴. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۱؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۰۷.
 ۲۵. الخصال، ص ۵۷۸.
 ۲۶. المساقب، ج ۲، ص ۴۳؛ ینابیع المودة، ج ۳، ص ۲۰۹.

پژوهشیان و متفکران اسلامی بازتابی گسترده داشته است.^{۲۷}

به هر حال، دو گزارش درباره چگونگی کتابت معارف تفسیری با املائی رسول الله ﷺ و کتابت علی ﷺ را می‌آورم که برای ورود در بحث از چگونگی «مصحف علی» بسیار تعیین‌کننده است. علی ﷺ فرمود:

هر آیه‌ای که نازل می‌شد، پیامبر ﷺ شیوه قرائت آن را به من می‌آموخت. آن گاه املا می‌کرد و من می‌نوشتم. سپس تأویل تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه آن را می‌آموزانید و دعا می‌کرد که آن حقایق را دریابم و حفظ کنم و من پس از آن هیچ‌گاه آنچه را که دریافتم، فراموش نکردم.^{۲۸}

حضرت امام صادق ﷺ فرموده‌اند که علی ﷺ فرمود:

از کتاب الهی از من بپرسید. به خدای سوگند! رسول الله ﷺ شیوه قرائت و تأویل تمام آیات الهی را چه آنچه در شب نازل شده است و چه روز، به هنگام حرکت و یا در منزل، به من آموختند. این کواء گفت: ای امیرمؤمنان، حتی آنچه را نازل می‌شد و تو نبودی؟!

امام فرمود: رسول الله ﷺ آنچه را نازل می‌شد و من غایب بودم، نگاه می‌داشت تا به محضرش می‌رسیدم. آن گاه شیوه قرائت آن را به من می‌آموزانید، و می‌گفت: هان علی! خداوند فلان و فلان آیه را به من نازل کرد، [کنون که خواندی] تأویلش هم چنین و چنان است، بدان. پس تنزیل و تأویل آیات را به من تعلیم می‌داد.^{۲۹}

این دو گزارش از جهات مختلفی شایان توجه است که بدان خواهیم پرداخت. اکنون و در پی آنچه آهنگ گزارش و استوارسازی آن را داریم بیاوریم که بی‌گمان علی ﷺ که براساس نصوص یاد شده نگارنده و ثبت و ضبط‌کننده آیات الهی بود، جمع‌کننده آن نیز بود که در منابع تاریخی و روایی از آن به «مصحف علی» یاد می‌شود. نصوص نشانگر این حقیقت بسی فراوان‌تر از آن است که امکان گزارش آن در این مجال باشد. این‌ندیم در الفهرست فصلی گشوده است برای یادکرد جمع‌آورندگان

۲۷. به این موضوع اندک به شرح تر - و نه چنان که شایسته موضوع بوده است - در مقامی دیگر پرداخته‌ام. در آن مقام با تکیه بر آیه ۴۳ سوره رعد (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) و نیز روایت بسیار مشهور و مهم «علی مع القرآن و القرآن مع علی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» (المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۲۵۵ و...) و گفتار برخی صحابیان آورده‌ام که علی ﷺ بدون هیچ هم‌اوردی آگاه‌ترین بوده است به آموزه‌های قرآن، که سازماندهی فقط کلام ابن عباس، صحابی جلیل و مفسر عالی قدر قرآن را بیاورم که گفت:

آنچه را علی ﷺ می‌گفت فرا گرفتیم، آن‌گاه در اندوخته‌ها و آموخته‌های خود اندیشیدم و دریافتم که دانش من به قرآن در سنجش با دانش علی ﷺ چونان برکه‌ای است خرد در برابر دریایی موج خیز (النهاية، ج ۱، ص ۲۱۲؛ سفينة البحار، ج ۲، ص ۴۱۴؛ قاموس الرجال، ج ۶، ص ۴۴۸؛ ر. ک: مقاله بلند «علی پیشوای مفسران»، مجله آینه پژوهش، شماره ۶۶؛ آفاق تفسیر، ص ۷۰-۱۲۰).

۲۸. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۸؛ ترجمه الأمام علی بن ابی طالب من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۶۷ و نیز ر. ک: الکافی، ج ۱، ص ۶۴؛ الخصال، ص ۲۵۷؛ کمال‌الدین، ص ۲۸۴؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۴؛ تحف المعقول، ص ۱۹۶؛ کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۲۴. متنی را که نقل کردیم از شواهد التنزیل است. نقل‌های منابع دیگر همان است، با اندکی کاستی و فزونی.

۲۹. الأملی للطوسی، ص ۵۲۳ ح ۱۱۵۸؛ بشارة المصطفی، ص ۲۱۹.

قرآن کریم با عنوان «الجماع للقرآن علی عهد النبی ﷺ». در این فصل از اولین کسی که یاد کرده علی ﷺ است.^{۳۰} بر اساس گزارش‌های بسیاری علی ﷺ فرموده‌اند که:

سوگند یاد کرده‌ام که ردا به دوش نگیرم تا قرآن را در دفتری گرد آورم.^{۳۱}

آنچه درباره مصحف علی ﷺ تأمل برانگیز است، چگونگی مصحف است، که از دیرباز توجه عالمان، پژوهشیان و مورخان را جلب کرده است. بر پایه دو گزارشی که پیش‌تر آوردیم، مصحف مولا ﷺ محض «نص قرآن» نبوده است؛ افزون بر متن قرآن (=وحی قرآنی) آکنده بوده است از تفسیر، تأویل، و مسائل بسیار (=وحی بیانی). از این روی، ما بدان عنوان «تفسیر قرآن» دادیم. ابن‌سیرین می‌گوید:

آن را از مدینه خواستم و بدان دست نیافتم. اگر آن کتاب فراچنگ می‌آمد، بی‌گمان دانش بسیار در آن یافت می‌شد.^{۳۲}

محمد بن شهاب زهری می‌گوید:

اگر مصحف علی ﷺ پیدا می‌شد، سودمندترین مصحف‌ها می‌بود؛ و سرشار از دانش.^{۳۳}

ابن‌جزی آورده است که:

اگر مصحف علی ﷺ پیدا می‌شد، آکنده از دانش بود.^{۳۴}

روشن است که سرشار از دانش بودن، و سودمندترین بودن، جز این نیست که افزون بر نص قرآن کریم، دارای فواید و حقایق دیگری بوده است. دو حدیث گذشته نشانگر حقیقتی است که بر خامه این عالمان رفته است. به واقع، «مصحف مولا» تألیفی بوده است «تفسیری» و دربردارنده متن قرآن بدون افزونی و کاستی (=وحی قرآنی) و تفسیرها و توضیح‌ها و مصداق‌ها، تأویل‌ها و... که رسول‌الله ﷺ املا می‌فرمودند و مولا می‌نگاشتند (=وحی بیانی).

شیخ صدوق، صدوق فقیهان، ضمن نقد دیدگاه برخی از عالمان اهل سنت درباره باور شیعیان به چگونگی متن قرآن کریم و تأکید بر عدم تحریف قرآن کریم و رد قاطع باور به کاستی و افزونی آیات،

۳۰. الفهرست، ص ۳۰.

۳۱. طبقات ابن‌سعد، ج ۲، ص ۳۳۸. محتوای این نقل در منابع بسیاری آمده است: الکافی، ج ۸، ص ۱۸؛ الفهرست، ص ۳۰؛ حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۷؛ شرح نهج البلاغة، ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۷؛ معرفة القران، (ذهبی)، ج ۱، ص ۲۸.

۳۲. الأشیعاب، ج ۲، ص ۲۵۳ (در حاشیة الأشیعاب)، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۸؛ حقایق هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۵۸؛ تفسیر الشیعة، ص ۳۱۷؛ الأنتان فی علوم القرآن (تحقیق فوق از احمد زمزلی)، ص ۱۵۵.

این سخن برخی تابعیان شنیدنی و تأمل‌کردنی است:

وحی بر پیامبر نازل می‌شد و جبریل سنت را بر پیامبر در تفسیر و تبیین و توضیح آیات عرضه می‌کرد (جامع بیان العلم و فضله، ج ۲، ص ۱۱۹۳).

۳۳. فواتح الرحموت (در حاشیة المصطفی)، ج ۲، ص ۱۲.

۳۴. التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۶.

تصریح می‌کنند که در کنار «وحی قرآنی» حقایق بر رسول الله ﷺ وحی می‌شده است که وحیانی، الهی بوده، اما «قرآنی» نبوده است:

بی‌گمان، انبوهی از حقایق الهی - که قرآن نبوده است - بر پیامبر نازل می‌شده است که اگر گرد می‌آمد، از اندازه هفده هزار آیه فزون‌تر می‌رفت... همه اینها وحی بود، اما قرآن نبود... و به‌واقع، آنچه امیرمؤمنان پس از پیامبر گرد آورد، متن قرآن بود؛ با این حقایق وحیانی در توضیح و تفسیر آن [=وحی بیانی] ^{۳۵}

معلم امت، شیخ مفید(ره) پس از آن که کاستی در قرآن را نمی‌پذیرند و بر تحریف بدین معنا خط بطلان می‌کشند، به افزونی‌های موجود در مصحف امام علی علیه السلام پرداخته نوشته‌اند:

اما محذوف از مصحف امیرمؤمنان علیه السلام تأویل آیات و تفسیر معانی کلمات بر اساس حقیقت تنزیل بوده است که گرچه وحی بوده است، اما از جنس کلام الهی که «قرآن معجز» است، نبوده است. روشن است که گاهی تأویل قرآنی، قرآن نامیده شده است. خداوند فرموده است: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَرَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا». در این آیه «تأویل قرآن»، «قرآن» نامیده شده است، و این حقیقتی است که در میان مفسران در آن اختلافی نیست. ^{۳۶}

بر این پایه است که ابن شهر آشوب، به هنگام شمارش نگاشته‌های فرهنگ اسلامی، «مصحف امام علی علیه السلام» را آغازین نگاشته تلقی می‌کند. ^{۳۷} فقیه و رجالی عالی‌قدر سید محسن اعرجی کاظمی نوشته‌اند:

مراد ابن شهر آشوب [از این که مصحف امام علیه السلام را آغازین تألیف برشمرده است] این است که امام علیه السلام در مصحف به ثبت نص قرآن بسنده نکرده است، بلکه افزون بر آن، تفسیر، تبیین و تأویل آیات را نیز نگاشته بوده است. از این روی، آن نگاشته بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تصنیف بود. ^{۳۸}

شهرستانی در این باره سخنی نغز دارد؛ او می‌گوید:

مصحف مولا دارای متن بود و حواشی؛ که تفسیر و توضیح‌ها را در حواشی می‌نگاشت. گزارش‌های [تاریخی] نشانگر آن است که امیرمؤمنان چون از جمع و تدوین مصحف فراغت یافت، آن را - که گفته می‌شود به اندازه بار شتر بود - به همراه غلامش قنبر برداشته، به مردمان عرضه کردند... آن‌گاه فرمود: هان مردم! این است آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم خداوند فرو فرستاده است

۳۵. رسالة الاعتقادات (چاپ شده ضمن مصنفات شیخ مفید، ج ۵، ص ۸۶. به این کلام ارجمند شیخ صدوق بار دیگر باز خواهیم گشت).

۳۶. اوائل المقالات (چاپ شده در ضمن مصنفات شیخ مفید)، ص ۸۱.

۳۷. معالم العلماء، ص ۲ (تحقیق سید صادق بحر العلوم) (= چاپ عباس اقبال، ص ۱).

۳۸. عدة الرجال، ج ۱، ص ۹۲.

که آن را در میان دو لوح گرد آورده‌ام. آنان گفتند: بردار که ما را به مصحف تو نیازی نیست. امام فرمود: به خداوند سوگند! پس از این هرگز این مصحف را نخواهید دید. بر من بود که چون این مجموعه را گرد آوردم، شما را از وجود آن بی‌گناهانم. آن‌گاه به خانه بازگشت؛ در حالی که این آیت الهی را قرائت می‌کرد: «يَنْزِلُ فِي قَوْمِي أَنْخَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا». و آنان را بدانچه که بدان مشغول بودند وانهاد.^{۳۹}

بدین‌سان، مصحف امام علی علیه السلام به واقع تفسیر است؛ تفسیری مشتمل بر تمام آنچه متن و نص قرآن کریم در توضیح و تبیین بدان نیازمند بوده است و با توجه به این حقیقت، آن را عالمان کتاب تلقی کرده‌اند و آغازین اثر مکتوب که در تاریخ فرهنگ اسلامی به خامه آمده است. علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین (ره) نوشته‌اند:

اولین اثری که امیرمؤمنان پس از فراغت از کفن و دفن رسول‌الله صلی الله علیه و آله تدوین کرد، کتاب الهی - عزوجل - بود که آن را بر اساس نزول سامان داد.^{۴۰}

و در آن به عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و سنن و اناب آیات اشاره کرده، به اسباب نزول در آیات تنبیه داده بود و مبهمات، دشواری‌ها و مشکلات آیات را زدوده بود.^{۴۱}

بر آنچه تا بدین‌جا آوردیم - که پس از این نیز خواهیم آورد - عالمان و محققان بسیاری تصریح کرده‌اند. اکنون و با تأکید بر اشمال مصحف مولا علیه السلام بر حقایق بسیاری افزون بر نص قرآن کریم، به نکته‌ای دیگر می‌پردازیم که به پندار ما، با همه اشتهاری که دارد، دلیل استواری ندارد و آن این که آیا مصحف علی علیه السلام بر اساس نزول ترتیب یافته بود؟

عالمان، محققان و پژوهشگران علوم قرآنی، به هنگام بحث از چگونگی جمع قرآن از جمله به مصاحف می‌پردازند و چگونگی آنها را و می‌گویند؛ این بزرگواران به هنگام بحث از مصحف علی علیه السلام غالباً به چگونگی آن پرداخته و از جمله نوشته‌اند:

مصحف علی علیه السلام بر اساس نزول سامان یافته بوده است، و این چگونگی در میان کسانی که بدان پرداخته‌اند، ظاهراً بدون مخالف است.

حضرت آیت‌الله العظمی خوئی (ره)، ضمن سخن از ویژگی‌های مصحف مولا نوشته‌اند:

تردید نیست که مصحف امیرمؤمنان به لحاظ ترتیب سوره‌ها با قرآن موجود تفاوت داشته

۳۹. مفاتیح الأکرار و معایب الأبرار، ج ۱، ص ۱۲۰ و نیز ر. ک: کتاب سلیم، ج ۲، ص ۵۸۱ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۶۶ = چاپ دارالتعارف، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

۴۰. پس از این خواهیم آورد که این استظهار از نصوص، یعنی بر اساس نزول بودن جمع مولا - که نشانگر تدوین بر اساس نزول است - به پندار ما پایه‌ای استوار ندارد.

۴۱. المراجعات (تحقیق حسین راضی)، ص ۴۱۱.

است، و عالمان بر این حقیقت یک داستان‌اند.^{۴۲}

قرآن پژوه معاصر حضرت آیت‌الله معرفت نیز بر این باور رفته و ضمن شمارش چگونگی‌های مصحف امام علی علیه السلام نوشته‌اند:

... ترتیب نزولی آن، به گونه‌ای که آیه آغازین بر بعدی مقدم بوده است؛ با چینی در نهایت دقت.^{۴۳}

قرآن پژوه ارجمند، روانشاد دکتر محمود رامیار نوشته‌اند:

در این که مصحف علی علیه السلام از نظر ترتیب سوره‌ها با قرآن موجود مغایر و متفاوت بوده، گفتگویی نیست، و در این که اضافاتی هم در مصحف علی علیه السلام بوده، حرفی نیست؛ اما این اضافات را می‌دانیم که جزء قرآن نبوده است...^{۴۴}

محقق عالیقدر حضرت سید جعفر مرتضی عاملی، پس از گزارش تفصیلی نصوص موضوع، نوشته‌اند:

از نصوص گزارش‌های گونه‌گون چنین برمی‌آید که مصحف علی علیه السلام با ویژگی‌های ذیل از مصاحف دیگر ممتاز بود:

۱. بر اساس نزول سامان یافته بود؛
۲. آیات منسوخ مقدم بر آیات ناسخ بود؛
۳. تأویل برخی آیات به تفصیل نگاشته شده بود؛
۴. تفسیر برخی آیات به گستردگی بر اساس تنزیل [یعنی وحی الهی = تفسیر وحیانی] نگاشته شده بود؛
۵. مشتمل بود بر محکم و متشابه؛
۶. هیچ چیز از آن فرو نیفتاده بود، حتی یک الف و لام؛ و چیزی بر آن افزون نشده بود؛
۷. نام‌های بسیاری از اهل حق و باطل در ضمن تفسیر آیات گزارش شده بود؛
۸. تمامت آن به املائی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام بود؛
۹. در موارد بسیاری «رازها از پرده برون افتاده بود» و مواضع شخصیت‌ها (مهاجران و انصار) برنموده شده بود و چگونگی تعامل آنها با روند آموزه اسلامی نموده شده بود.^{۴۵}

۴۲. البیان، ص ۲۲۳.

۴۳. التمهید، ج ۱، ص ۲۹۲.

۴۴. تاریخ قرآن، ص ۳۷۹.

۴۵. حقانین هامة حول القرآن الکریم، ص ۱۶۰ - ۱۶۱. بحث علامه سید جعفر مرتضی به لحاظ جمع نصوص، قابل توجه است و نیز تأمل وی در واژه «هكذا أنزلت» و... گو این که بدانچه ما بدان پرداخته‌ایم، تعظُن نیافته‌اند. به هر حال، پژوهش وی خواندنی است.

این ویژگی‌ها در پژوهش‌های معاصران در هر جایی که از «مصحف» مولا سخن رفته است، با اندکی تفاوت آمده است؛ و این همه به واقع مستند بر برخی گزارش‌های کهن و موجود در منابع دیرینه سال و روایات. در میان آنچه یاد شد، دیدیم که تمام گزارش‌ها از جمله مشتمل است بر این‌که مصحف علی علیه السلام بر اساس نزول بوده است. طبیعی است که بر این اساس بگویند، منسوخ بر ناسخ مقدم بوده است و... گرچه این تصریح‌ها در روایات و منابع کهن وجود ندارد، اما به پندار ما این تفسیرها از منابع کهن و روایات نیز استوار نیست و ترتیب مصحف مولا به هیچ روی بر اساس نزول نبوده است. این مدعا را اکنون به اجمال می‌آوریم و اندکی مستندات را می‌کاوم و تفصیل سخن را به مقامی دیگر وامی‌نهیم.

در گذرگاه تاریخ

اولین گزارش درباره مصحف، بر اساس آنچه در اختیار داریم، در منابع اهل سنت، گزارش ابن سعد است. او به نقل از محمد بن سیرین آورده است:

علی علیه السلام از بیعت ابوبکر تن زد. ابوبکر او را ملاقات کرد و گفت: آیا از بیعت با من کراهت داری؟ گفت: نه، اما پیمان بسته‌ام که جز برای نماز ردا بر دوش نگیرم تا قرآن را جمع کنم.

محمد بن سیرین می‌گوید:

چنان پنداشته‌اند که علی آن را بر اساس تنزیل نگاشته است.

ابن عون می‌گوید:

این موضوع را [بر اساس تنزیل بودن را] از عکرمه سؤال کردم، آن را نمی‌شناخت.^{۴۶}

در مقامی دیگر آمده است که ابن سیرین می‌گوید: از عکرمه پرسیدم که قرآن را بر اساس نزول یکی بعد از دیگری [الأول فالأول] سامان داده‌اند، گفت:

اگر تمام انس و جن جمع شوند که چنین کنند، نمی‌توانند.^{۴۷}

نقل ابن سعد در این کتاب نیز آمده است؛ اما ذیل آن متفاوت است. در ذیل این نقل به جای جمله «چنان پنداشته‌اند...» ابن سیرین می‌گوید: بدو گفتم تألیف آن بر اساس نزول است؟ گفت:

اگر تمام انس و جن جمع شوند، چنان نتوانند.^{۴۸}

این نقل پایه و اساس تمام گزارش‌ها و اظهارنظرهای عالمان است در منابع اهل سنت. روشن است که متن این نقل‌ها هیچ‌گونه صراحتی بر ترتیب بر اساس نزول ندارد، و آنچه هست تصریح ابن سیرین بر پندار کسانی است. اینان چه کسانی‌اند؟ روشن نیست.

۴۶. طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۳۳۸ (چاپ دار صادر).

۴۷. فضائل القرآن، ابن ضریس، ص ۳۵.

۴۸. همان، ص ۳۶.

از سوی دیگر، نقل از عکرمه هم - که یکسر در نغی این چگونگی است - و سه دیگر، این که این همه بر اساس پندار بوده و هیچ کس از گزارشگران مصحف را ندیده است تا بر اساس مشاهده اظهار نظر کند، چنین است که علامه عسکری پس از گزارش نقل‌هایی مختلف نوشته‌اند:

محتوا روایات در این که راویان متن مصحف و چگونگی آن را ندیده‌اند، یک داستان‌اند. بنابراین هر آنچه از چگونگی مصحف به جز از معصوم علیه السلام گزارش شود، پایه استواری نداشته، مستند به پندار خواهد بود.^{۴۹}

بدین سان، بر پایه نقل‌های تاریخی، این ویژگی را نمی‌توان برای «مصحف مولا» ثابت دانست. گزارش ترتیب سوره‌ها در نقل‌های مختلف نیز استواری ندارد و اکنون مجال پرداختن بدان نیست. آقای مدرسی طباطبایی، به درستی، نوشته‌اند:

گفته می‌شود که مصحف آن حضرت به ترتیب نزول بوده است؛ گرچه فهرستی که منابع از ترتیب مصحف ایشان آورده‌اند، این گزارش را تأیید نمی‌کند.^{۵۰}

به پندار ما داورى آقای مدرسی دقیق است. نقل‌های مرتبط با ترتیب سوره‌ها را باید در مجال دیگر بررسی کرد؛ اما اکنون و پس از آن که دیدیم از نقل‌های تاریخی ره به جایی نمی‌بریم، بنگریم روایات چگونه است. دیرینه‌ترین نقل را ابن شهر آشوب گزارش می‌کند؛ بدین گونه:

فی اخبار ابی رافع: أن ابی قال فی مرضه الذی توفی فیہ لعلی «یا علی هذا کتاب الله خذہ الیک، فجمعه علی فی ثوب، فمضى الی منزله فلما قبض النبی صلی الله علیه و آله جلس علی فألفه کما أنزل الله و کان به عالماً؛

در گزارش‌های ابورافع آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله در بیماری‌ای که با آن درگذشت، به علی علیه السلام گفت: این است کتاب الله، آن را بگیر. پس علی علیه السلام آن را در پارچه‌ای جمع کرد و به خانه‌اش برد و چون رسول الله صلی الله علیه و آله زندگی را بدرود گفت، آن را بدان گونه که خداوند نازل کرده بود - و وی بدان آگاهی داشت - فراهم آورده، تألیف کرد.^{۵۱}

این مضمون در برخی روایات دیگر مرتبط با «مصحف» مولا علیه السلام نیز آمده است، از جمله سالم ابن ابی سلمه از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

... اخرجہ علی علیه السلام الی الناس حیث فرغ منه و کتبه فقال لهم: هذا کتاب الله کما انزل الله علی محمد. قد جمعتہ بین اللوحین، قالوا: هو ذا عندنا مصحف جامع فیہ القرآن، لا حاجة لنا...؛^{۵۲}

۴۹. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۴۰۳.

۵۰. میراث مکتوب شیعه، ص ۲۰.

۵۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۰.

۵۲. اثبات الوصیة، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۹۵.

علی علیه السلام چون از کار جمع و تدوین قرآن فراغت یافت آن را به مردمان عرضه کرد و فرمود: این است کتاب الهی بدان گونه که خداوند آن را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده بود که من آن را در بین دو لوح قرار دادم. گفتند: این همان است که پیش ماست؛ مصحفی جامع و ما را بدان نیازی نیست... ۵۳

در نقل دیگری آمده است که امام علیه السلام فرمود:

... هذا كتاب الله قد ألتته كما أمرني و أوصاني رسول الله صلی الله علیه و آله كما أنزل...

نقل‌های دیگر نیز با همین تعبیر «کما انزل...» و یا «کما انزل الله» توان یافت. اکنون آنچه مهم است، پاسخ به این سؤال است که «کما انزل» و «کما انزل الله...» به چه معناست؟ به دو احتمال در این جمله می‌توان اندیشید:

۱. بگوییم مراد این است که علی علیه السلام قرآن را بر اساس نزول و به ترتیب نزول سامان داده است. ۲. این که بگوییم علی علیه السلام قرآن را بر اساس تمام آنچه به وحی الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، سامان داده است؛ یعنی آنچه آیات الهی است و قرآنی - وحیانی است و چهره ماندناپذیر و اعجاز‌آمیز دارد (= نص قرآن وحی قرآنی) و آنچه به صورت تفسیر، تأویل و تبیین این آیات نازل شده بوده است که وحیانی بود و بیانی (= تفسیر تأویل، وحی بیانی).

این بنده سال‌ها پیش و به هنگام تدریس تاریخ قرآن و بحث از جمع قرآن بدین نکته متفطن شدم. پس از آن، روایات موضوع را گرد آوردم و در آنها نگریستم و پس از تأمل بسیار به این موضوع باوری استوار پیدا کردم.^{۵۴} آوردیم که در نقل‌ها هیچ‌گونه صراحتی بر ترتیب پیشین و آن‌گاه پسین نیست. افزون بر این، نقلی که در منابع اهل سنت پایه و مایه این دیدگاه شده، گذشته از این که صراحت ندارد، از اعتبار لازم را هم ندارد. نقل به گونه‌ای در پیوند با بیعت مولا بود با خلیفه اول و نشانگر این که عدم بیعت به لحاظ این بوده است که وی گرفتار جمع قرآن است! از این نقل بوی جعل و وضع می‌آید. گویا حدیث سازان می‌خواستند به گونه‌ای غیبت امام علیه السلام از صحنه را بدین‌سان توجیه کنند و رقم زدن حاکمیت را بدان گونه که شالوده آن را از پیش ریخته بودند، موجه جلوه دهند. این نکته ظریفی است که فقیه بی‌بدیل روزگار اخیر حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) بدان تنبیه داده است.^{۵۵}

اما آنچه در منابع حدیثی شیعه بوده است و برخی را آوردیم، نه تنها هیچ صراحتی ندارد، بلکه

۵۳. بصائر الدرجات، ص ۱۹۳؛ الکافی (= الاصول)، ج ۲، ص ۶۳۳؛ بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۸۸

۵۴. و در همان روزگاران در ضمن مقاله‌ای این موضوع را مطرح کردم، و نوشتم: این بنده در حد آگاهی‌های اندک خود ندیده‌ام که در میان قرآن‌پژوهان کسی بدین نکته اشاره کرده باشد (آفاق تفسیر، ص ۱۰۳). اکنون خرسندم که اندک اندک در میان قرآن‌پژوهان دیدگاهی استوار می‌شود. آثاری در اثبات این دیدگاه و آثاری در نقد آن به صورت کتاب و یا مقاله نگاشته شده است.

۵۵. نهاية الاصول، ص ۴۸۴؛ آفاق تفسیر، ص ۱۰۲.

قرآینی هم وجود دارد که باید مراد نه آن باشد که گفته‌اند، بل مقصود همان است که آوردیم و در دو روایت مفصل آغاز بحث این حقیقت به‌روشنی آمده بود. پاره‌ای از قرآین دیدگاه پذیرفته شده چنین است:

۱. چنان که در دو روایت آغاز بحث دیدیم و محتوای آنها پذیرفته شده همگان بوده است، علی‌علیه قرآن را با تفسیر و تأویل و توضیح و تبیین می‌نگاشته است به امر رسول الله ﷺ و وحی الهی.
۲. اکنون نقلی که می‌گوید: «هذا کتاب الله قد آلفته كما امرنی و اوصانی رسول الله ﷺ كما أنزل»، این امر و وصیت نبوی چیست؟! کجا پیامبر فرموده است که آن را بر اساس ترتیب نزول بنویس؟ اما نصوص فراوان نشانگر این که قرآن را با تبیین و تفسیر و تأویل بنویس را دیدیم.
۳. جابر از حضرت امام باقر ﷺ گزارش می‌کند که فرمود:

ما من احد من الناس يقول انه جمع القرآن كله «كما انزل الله» الا تكذب و ما جمعه و ما حفظه كما انزل الله الا علی بن ابی طالب والائمة من بعده.

آیا واقعاً برای صحابیانی دیگر تدوین قرآن بر اساس نزول ممکن نبوده است؛ آنان که شاهد نزول بودند و همراه لحظه‌های وحی؟! در روایات پیشین دیدیم و واقع صادق تاریخ نیز گواه آن است که فراگیری تمامت تفسیر و تأویل و حقایق بنیادین آیات الهی را جز علی ﷺ نه کسی توانش را داشت و نه آن جایگاه را در پیشگاه الهی و نبوی و....

۴. ذیل روایت می‌گوید این جمع فقط در توان علی ﷺ و امامان پس از اوست. روشن است که باید مراد آگاهی امامان ﷺ از گستره تأویل، تفسیر و ابعاد ناپیدا کرانه قرآن بوده باشد که در مصحف مولا به وحی الهی نهاده شده بود و در اختیار امامان ﷺ بود.

۵. ذیل گزارش ابورافع می‌گوید «وکان به عالماً» روشن است که آگاهی به «ترتیب نزول» ویژه مولا نبود. کسان بسیاری دیگر نیز از ترتیب نزول آگاهی داشتند. جمله «کان به عالماً» یعنی مولا به «كما انزل الله» یعنی وحی بیانی آگاه بود و گستره معانی که بر اساس روایات یاد شده رسول الله ﷺ املا می‌کرد و علی ﷺ می‌نوشت.

۶. نقل شهرستانی و برخی دیگر از نقل‌ها و از جمله روایت سالم بن ابی سلمه از امام صادق ﷺ نشانگر آن بود که حاکمیت و رقم‌زندگان سیاست مصحف مولا را - که امام ﷺ تصریح کرده بود (یک کلمه افزونی و کاستی ندارد و یکسر وحی الهی است) - نپذیرفتند، چرا؟ آیا آن «كما انزل الله علی محمد» در روایت به معنای ترتیب نزول بود؟! و سیاستمداران برای آن قبول نکردند؟! آنان که از مدت‌ها پیش با برنامه‌ریزی‌های دقیق شالوده دگرسانی خلافت را رقم زده بودند، و جایگاه مولا را نیز به خوبی می‌دانستند، با تن زدن از این پیشنهاد چه چیزی را می‌خواستند فراچنگ آورند؟! روشن است که این «كما انزل الله علی محمد» حقایق نهفته در تفسیرها، تأویل‌ها بر ملا شدن رازها و گشوده شدن رمزها و... بود که برای حاکمیت دشواری می‌آفرید؛ همان که حاکمیت را از جمله به منع

تدوین و نشر حدیث رهنمون شد. ۵۶

قراین نفی احتمال دیگر را وامی‌گذاریم به مجالی دیگر و تأکید می‌کنیم که «مصحف» علی علیه السلام ترتیبی جز «مصحف» معمول در میان مسلمانان نداشت؛ یعنی همان ترتیب روزگار رسول الله صلی الله علیه و آله که معتقدیم به جمع و تدوین و ترتیب کتاب الله در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله؛ بدان‌گونه که سید مرتضی (ره) فرمود: ان القرآن كان على عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مجموعاً، مؤلفاً على ما هو عليه الآن. ۵۷

و بیفزاییم که اولین کسی که در میان عالمان شیعه این نکته را [بر اساس ترتیب نزول بودن را] از روایات استظهار کرده، شیخ مفید (ره) است. آن بزرگوار در مقامی نوشته‌اند:

مصحف علی علیه السلام بر اساس نزول سامان یافته بود؛ مکی بر مدنی و منسوخ بر ناسخ مقدم بود و هر آیه‌ای به لحاظ نزول در جای خود قرار داشت. ۵۸

پس از این بزرگوار، این سخن درباره مصحف مولا - که گویا برگرفته از ظاهر آن روایات بوده - مورد توجه عالمان قرار گرفته و بدان خستو شده‌اند، اما به پندار ما این استظهار چندان پایه استواری ندارد.

سرنوشت مصحف

در گزارش‌های پیشین دیدیم که پس از آن که مولا «مصحف» را عرضه می‌کنند و آنان نمی‌پذیرند، امام علیه السلام می‌فرمایند:

والله لا تروته بعد هذا أبداً. ۵۹

این تعبیر در منابع روایی شیعی نیز در موازادی آمده است؛ از جمله در ذیل روایت سالم‌بن ابی سلمه که امام علیه السلام فرمود:

... اما والله لا تروته بعد يومكم هذا ابداً. ۶۰

اما از برخی نقل‌ها و روایات توان دریافت که مصحف در محضر امامان علیهم السلام بوده است. امام علیه السلام پس از آن روز دیگر مصحف را برنمایاند تا به گفته علامه عسکری در گذرگاه زمان بر سر آن، نیاید آنچه بر سر مصحف دیگر آمد. در ضمن روایت سالم‌بن ابی سلمه آمده است:

... حتى يقوم القائم [عج]... و أخرج المصحف الذي كتبه علي... ۶۱

۵۶. این نکته را با تفصیل و با تکیه بر قراین بسیار در مقامی دیگر آورده‌ام. ر. ک. همین مجله شماره، مقاله «ناکه از پرده برون نافتند راز»!

۵۷. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵ به نقل از «المسائل الطرابلسیة».

۵۸. المسائل السرویة، ص ۷۹ [مصنفات الشیخ المفید، ج ۷]؛ اوائل المقالات، ص ۸۰ [مصنفات، ج ۴]

۵۹. مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، ج ۱، ص ۱۲۰.

۶۰. بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.

۶۱. القرآن الکریم و روایات المدرستین، ج ۲، ص ۴۰۸.

بر این اساس و با توجه به نقل‌های دیگر، «مصحف» در نزد امامان علیهم‌السلام بوده است که اکنون در اختیار امام زمان حضرت حجت بن الحسن العسکری است.^{۶۲}

بعید نمی‌نماید مصحفی که وصف بخشی از آن در روایت ابو عمر کشی آمده و از جمله تصریح به این که مشتمل بوده است بر نام‌ها و افشای برخی از جریان‌ها و در اختیار حضرت رضا علیه‌السلام همین مصحف باشد.^{۶۳}

کتابنامه

- آفاق تفسیر، محمد علی مهدوی راد، تهران: هستی‌نما، ۱۳۸۳ ش، اول.
- الإفتان فی علوم القرآن، عبدالرحمن سیوطی، بیروت: المكتبة الثقافية، ۱۹۷۳ م.
- إثبات الوصية للإمام علی بن أبی طالب علیه‌السلام، المنسوب إلى علی بن الحسین المسعودی (م ۳۴۶ ق)، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۹ ق، دوم.
- الاحتجاج علی أهل اللجاج، أحمد بن علی الطبرسی (م ۶۲۰ ق)، تحقیق: ابراهیم البهادری ومحمد هادی به، تهران: دار الأوسمة، ۱۴۱۳ ق، اول.
- إحقاق الحق وإزهاق الباطل، نورالله بن السید شریف الشوشتری (القاضی التستری) (م ۱۰۱۹ ق)،

در پایان این بخش سزایم است به یک داور دربار «مصحف» مولای ما آنچه از آن به «تفسیر قرآن» یاد می‌شود اشاره کنم. آقای دکتر سید حسین نصر در مقاله‌ای با عنوان «ظهور و تحول تصوف ایرانی» از تفسیرهای قرآنی صوفیانه سخن گفته و در ضمن آن نوشته‌اند: «این دوره همچنین زمان شکوفایی و رونق تفسیرهای باطنی صوفیان ایرانی بر قرآن بود، در سنت اسلامی عقیده بر آن است که سرمشق الهام‌بخش این تفسیرها علی بن ابی طالب نخستین امام شیعیان و چهارمین خلیفه اهل تسنن بوده است. مطابق با احادیث سنی و شیعی علی علیه‌السلام شرحی باطنی بر قرآن نوشت که [پاره‌ای از] خاورشناسان غربی آن را به اشتباه روایت دیگری از قرآن دانستند. ایشان سعی کردند در خصلت قطعی و بی‌چون و چرای قرآن کریم خلل وارد کنند و ادعا کردند که شرح مذکور قرآن دیگری بوده و شیعیان (یعنی پیروان علی علیه‌السلام) قرآن را به شکلی که آن زمان وجود داشته، قبول نداشتند. چیزی که از این بحث اعتقادی قدیمی واضح به نظر می‌رسد، این است که اشاراتی تاریخی از این دست در واقع مربوط می‌شد به تفسیر باطنی بر قرآن که به حضرت علی علیه‌السلام منسوب بوده، و متأسفانه مفقود شده است (میراث تصوف، ج ۱، ص ۳۶-۳۷).

نمی‌دانم آقای نصر با جمله «... مطابق با احادیث سنی و شیعی...» به چگونگی احادیثی اشاره می‌کنند؛ اما قاطعانه می‌گویم حتی یک روایت شیعی و سنی وجود ندارد که بگوید علی علیه‌السلام شرحی باطنی بر قرآن نوشته بود؛ در دیگر این که بافته‌های خاورشناسان بی‌پایه بوده و هست و نیازی به طرح و نقد ندارد و این که آقای نصر در پایان سخن خود بالاخره تفسیری باطنی بر قرآن منسوب به امام علیه‌السلام را بر اساس اشاراتی تاریخی قطعی می‌دانند، این هم پایه‌ای ندارد؛ سه دیگر این که از «آن بحث اعتقادی قدیمی» هم آنچه در منابع حدیثی و تاریخی وجود دارد، همان است که در متن مقاله آمده است. «مصحف علی علیه‌السلام» با ویژگی‌های یاد شده و موضع حاکمیت در برابر آن و نه جز آن و هیچ شیعه‌ای هم افزون بر این باور ندارد. خاورشناسان آنچه می‌بافتند گاه مستند بر پایه و مایه‌ای نیست، اما از جناب سید حسین نصر که بی‌گمان آشنایی شایان توجهی با منابع حدیثی و تاریخی شیعی دارد، این‌گونه سخن گفتن شگفت می‌نماید.

۶۲. بصائر الدرجات، ص ۱۹۳؛ الکافی (=الأصول)، ج ۲، ص ۶۳۳.

۶۳. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۹ و نیز ر. ک: المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۶۴.

- با تعليقات: السيد شهاب الدين المرعشي، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ١٤١١ ق، - أول.
- اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، محمد بن الحسن الطوسي (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٤ ق، أول.
- الاستيعاب في معرفة الأصحاب، يوسف بن عبدالله القرطبي المالكي (م ٣٦٣ ق)، تحقيق: علي محمد معوض وعادل أحمد عبدالموجود، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق، أول.
- الإصابة في تمييز الصحابة، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م ٨٥٢ ق)، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود وعلي محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٥ ق، أول.
- الأمالي، محمد بن الحسن الطوسي (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: دار الشقافة، ١٤١٤ ق، أول.
- الإمامة والنبصرة من الحيرة، علي بن الحسين ابن بابويه القمي (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: محمد رضا الحسيني، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٧ ق، أول.
- أنساب الأشراف، أحمد بن يحيى البلاذري (م ٢٧٩ ق)، تحقيق: سهيل زكار ورياض زركلي، بيروت: دار الفكر، ١٤١٧ ق، أول.
- أوائل المقالات، محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق)، تحقيق: إبراهيم الأنصاري، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة ذكر ألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (العلامة المجلسي) (م ١١١١ ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق، دوم.
- بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، محمد بن محمد الطبري (م ٥٢٥ ق)، نجف: المطبعة الحيدرية، ١٣٨٣ ق، دوم.
- بصائر الدرجات، محمد بن الحسن الصفار القمي (ابن فزوخ) (م ٢٩٠ ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ١٤٠٤ ق، أول.
- البيان في تفسير القرآن، السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي (م ١٤١٣ ق)، قم: أنوار الهدى، ١٤٠١ ق.
- تاريخ دمشق (ترجمة الإمام علي عليه السلام)، علي بن الحسن بن هبة الله (ابن عساكر الدمشقي)، تحقيق: محمد باقر المحمودي.
- تاريخ قرآن، محمود راميار، تهران: اميركبير، ١٣٦٢ ش، دوم.
- تحف المقول عن آل الرسول عليهم السلام، الحسن بن علي الحزاني (ابن شعبة) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٤ ق، دوم.
- تفسير المياشي، محمد بن مسعود السلمى السمرقندي (العياشي) (م ٣٢٠ ق)، تحقيق: هاشم - الرسولي المحلاتي، تهران: المكتبة العلمية، ١٣٨٠ ق، أول.
- التمهيد لمأني الموطأ من المعاني والأسانيد، يوسف بن عبد الله القرطبي (ابن عبد البر) - (م ٤٦٣ ق)،

- تحقيق: مصطفى العلوي و محمد عبد الكبير البكري، جده: مكتبة السوادى، ١٣٨٧ ق.
- جامع بيان العلم وفضله، يوسف بن عبد البر النمري القرطبي (م ٤٦٣ ق)، بيروت: دار الكتب العلمية.
- الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي)، محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي (م ٦٧١ ق)، تحقيق: محمد عبد الرحمان المرعشلي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٥ ق، دوم.
- حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، أحمد بن عبد الله الإصبهاني (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٣٨٧ ق، دوم.
- الخصال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٤ ق، چهارم.
- السنن الكبرى، أحمد بن الحسين البيهقي (م ٤٥٨ ق)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤ ق، أول.
- سنن النسائي بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشية الإمام السدي، أحمد بن شعيب النسائي (م ٣٠٣ ق)، بيروت: دار الجيل، ١٤٠٧ ق، أول.
- شرح نهج البلاغة، عبد الحميد بن محمد المعتزلي (ابن أبي الحديد) (م ٦٥٦ ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار إحياء التراث، ١٣٨٧ ق، دوم.
- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبيد الله بن عبد الله النيسابوري (الحاكم الحسكاني) (ق ٥)، تحقيق: محمد باقر محمودي، تهران: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ١٤١١ ق، أول.
- علل الشرايع، شيخ صدوق، نجف: مكتبة الحيدرية، ١٣٨٦ ق / ١٩٦٦ م.
- غرر الحكم ودرر الكلم، عبد الواحد الأمدي التميمي (م ٥٥٠ ق)، تحقيق: مير جلال الدين محدث أرموي، تهران: دانشگاه تهران، ١٣٦٠ ش، سوم.
- قاموس الرجال في تحقيق رواية الشيعة ومحدثيهم، محمد تقي التستري (شوشتری) (م ١٣٢٠ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٠ ق، دوم.
- الكافي، محمد بن يعقوب الكليني الرازي (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، بيروت: دار صعب ودار التعارف، ١٤٠١ ق، چهارم.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، دوم.
- كفاية الطالب في مناقب علي بن أبي طالب عليه السلام، محمد بن يوسف الغنصي الشافعي (م ٦٥٨ ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، تهران: دار إحياء تراث أهل البيت عليهم السلام، ١٤٠٤ ق، دوم.
- كمال الدين وتمام النعمة، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: ١٠٥

- على أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٥ ق، أول.
- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، على المتقي بن حسام الدين الهندي (م ٩٧٥ ق)، تصحيح: صفوة السقا، بيروت: مكتبة التراث الإسلامي، ١٣٩٧ ق، أول.
- مجمع البيان في تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان)، الفضل بن الحسن الطبرسي (أمين الإسلام) (م ٥٤٨ ق)، تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي والسيد فضل الله اليزدي الطباطبائي، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٨ ق، دوم.
- المحجة البيضاء في تهذيب الأحياء، محمدمحسن بن شاه مرتضى الفيض الكاشاني (م ١٠٩١ ق)، با حاشيته: على أكبر الغفاري، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، ١٣٨٣ ق.
- المسائل السرّوية (مصنّفات الشيخ المفيد)، محمّد بن محمّد بن نعمان العكبري (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق)، تحقيق: صائب عبد الحميد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ ق.
- مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، حسين النوري الطبرسي (م ١٣٢٠ ق)، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ١٤٠٧ ق، أول.
- معالم المدرستين، السيد مرتضى العسكري، طهران: مؤسسة البعثة، ١٤١٢ ق.
- المعجم الصغير، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: محمّد عثمان، بيروت: دار الفكر، ١٤٠١ ق، دوم.
- ملحقات احقاق الحق، شهاب الدين مرعشي نجفي، قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي، ١٤٠٨ ق / ١٣٦٦ ش.
- مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمّد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (م ٥٨٨ ق)، قم: المطبعة العلمية.
- النهاية في غريب الحديث والأثر، مبارك بن مبارك الجزري (ابن الأثير) (م ٦٠٦ ق)، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي، قم: مؤسسة إسماعيليان، ١٣٦٧ ش، چهارم.
- نهج البلاغة، محمّد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م ٤٠٦ ق)، ترجمه: سيد جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، ١٣٧٨ ش، چهاردهم.
- وسائل الشيعة، محمّد بن الحسن الحرّ العاملي (م ١١٠٤ ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت (ع)، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ١٤٠٩ ق، أول.
- ينابيع المودة لذوى القربى، سليمان بن إبراهيم القندوزي الحنفي (م ١٢٩٤ ق)، تحقيق: على جمال أشرف الحسيني، تهران: دار الأسوة، ١٤١٦ ق، أول.